

پیدایش زبان دراویدی، کی و کجا بوده است؟ تقسیم و انشعاب آن‌ها در چه زمانی آغاز شده است؟ پس از پیدایش، شاخه‌های آن به طور مستقل گسترش پیدا کرده‌اند و زبان‌هایی متفاوت و به نوبهٔ خود، زبان‌های تازه‌ای را به وجود آورده‌اند. زبان‌شناسی نوین^۱ موفق شده است که به کمک روش‌های ریاضی، زمانی را تعیین کند که زبان دراویدی (درست‌تر آن است که پیش دراویدی^۲ گفته شود)، زبانی یگانه بوده و تقسیم شدن به شاخه‌های منفرد را تازه آغاز کرده است. ابتدا براهویی^۳، که تنها زبان دراویدی است که در شمال هند بدان تکلم می‌کنند و نه در جنوب، تشکیل گردیده است. این زبان در آغاز هزارهٔ چهارم پیش از میلاد، یعنی در حدود ۶۰۰۰ سال پیش، به وجود آمده است. متأسفانه نه ریاضیات و نه زبان‌شناسی، تاکنون نتوانسته‌اند محل و منشأ زبان پیش دراویدی را تعیین کنند. آیا باید هندوستان را به منزلهٔ میهن آن در نظر گرفت و یا این که از خارج به آن‌جا وارد شده است.

جمهوری‌های هندوپاکستان، شمار زبان‌ها، لهجه‌ها و زبان‌های محلی را به طور غیر واقعی بیش از پانصد تصور می‌کنند. ولی این کثرت زبان‌شناسی ممکن است از سه «مخرج» مشترک یعنی سه گروه زبان: گروه‌های هند و اروپایی، مونداکولاری^۴ و دراویدی ناشی شده باشد. هیچ ویژه‌کاره واقعی، امروز تردیدی ندارد که مردمان متکلم به زبان هند و اروپایی یعنی آریاهای افسانه‌ای، منشأشان هندوستان یعنی ناحیه‌ای که آن‌ها در هزارهٔ دوم پیش از میلاد، به آن‌جا آمده‌اند، نبوده است (به‌خلاف، مسئلهٔ دانستن این که از کجا آن‌ها آمده‌اند هنوز باقی است و سه فرضیهٔ پذیرفتنی‌تر، آسیای مرکزی، یعنی نواحی مجاور دریای سیاه و آسیای صغیر را نشان می‌دهند). مدت‌ها فکر می‌کردند که قبایل سیاه پوستی که به زبان مونداکولاری تکلم می‌کردند، باستانی‌ترین ساکنان «سرزمین‌های عجیب»^۵

-
1. Linguistique moderne,
 2. Protodravidienne,
 3. Brahoui,
 4. Mounda - Kolarien
 5. Spécialiste,
 6. pays des merveilles.

بوده‌اند. با این همه، این موضوع بر اثر کارهای اخیر زبان‌شناسی سنتی، کاملاً رد گردیده است. مردمان متکلم به زبان موندا - کولاری دره ۶۰۰ سال پیش، در هند ظاهر گردیده‌اند و میهن اصلی آن‌ها در خاور، یعنی هند و چین که تا امروز به زبان‌هایی نزدیک به موندا کولاری حرف می‌زنند، بوده است.

با وجود این، شگفت‌انگیزتر این است که زبان‌های دراویدی هر چند که در هندوستان، پیش از زبان‌های هند و اروپایی و شاید هم پیش از موندا - کولاری، ظاهر شده‌اند، نیز اقتباس از زبان دیگری باشد.

بنابر عقیده ت. نایار^۱، دانشمند هندی، می‌توان منشأ بعضی از نام‌های جغرافیایی در بین‌النهرین، و همچنین در ایران، افغانستان و حتی در قفقاز را در زبان‌های دراویدی جستجو کرد. یکی دیگر از زبان‌شناسان معروف ن. «هوواری»^۲، در کتاب خود به نام: منشأ دراویدی‌ها و باختر، بسیاری از آثار مشترک زبان‌های قفقازی و دراویدی را آشکار ساخته است. نایار هم، مانند لاهواری معتقد است که قبایل دراویدی در هزاره چهارم پیش از میلاد در هند نمود کرده‌اند.

باید توجه داشت که با چنین قدمتی، به جای اصطلاح «دراویدی» بهتر است اصطلاح پیش دراویدی را قرارداد. بسیاری از مردم‌شناسان می‌پندارند که پیش دراویدی‌ها از نظر جسمی با دراویدی‌های کنونی تفاوت داشته‌اند. رنگ پوستشان روشن‌تر و قدشان بلندتر بوده است. یکی از لبایل بسیار احرار آمیز هند، به نام توداها^۳ در مرکز هند جنوبی، نزدیک به کوه‌های کیود^۴ سکونت دارد. برخی از رویدادها، محرک این فکراند که این قبیله‌ها که در طول سده‌های بسیار، تقریباً در انزوای کامل زندگی کرده‌اند، آثار باستانی پیش دراویدی‌ها را بهتر از هر جای دیگر حفظ نموده‌اند. زبان توداها متعلق به خانواده دراویدی است. افزون بر این، پیشوایان مذهبی این قبیله، زبان مذهبی ویژه‌ای را به نام «کور ژام»^۵ یا «کور شام»^۶ به کار می‌بردند. نام بیشتر خدایان، به زبان کور شام، به طور شگفت‌انگیزی با نام خدایان باستانی بین‌النهرین مطابقت دارد.

دانشمندان گوناگون، هر یک از کشورهای سومر، عیلام، ایران و قفقاز را به مثابه میهن اصلی دراویدی‌ها در نظر گرفته‌اند. شاید تنها فرضیه قابل قبول، فرضیه‌ای است که بر اساس آن در زبان‌های بسیار باستانی، بین‌النهرین، فارس، قفقاز و شاید هم بخشی از آسیای مرکزی به وسیله قبایلی که به زبان‌های دراویدی حرف می‌زدند، مسکون بوده است. آنچه باقی می‌ماند این است که تعیین شود، آیا این ناحیه وسیع، واقعاً میهن

1. Nayar, 2. N. Lahovary, 3. Todas,
4. Montagnes Bleues, 5. Kvorjam, 6. Kvorsham.

دراویدی‌ها بوده است؟ به عقیده بعضی از دانشمندان، پیش دراویدی‌ها، چادرنشین‌هایی بودند که در مرزهای سومر و عیلام تا آمودریا، سیردریا و قفقاز به این طرف و آن طرف در حرکت بوده‌اند و با استفاده از عبورگاه‌های سهل و آسان گردنه‌های شمال باختری‌هند، تقریباً در ۶۰۰۰ سال پیش، در هندوستان نفوذ کرده‌اند. دراویدی‌ها با این که مدت‌های بسیار طولانی در هند سکونت داشته‌اند، مردمانی غیر بومی بوده‌اند و در این امر برای هیچ کس شک و تردیدی نیست. شواهد کاملاً قانع‌کننده‌ای برای اثبات خویشاوندی، میان زبان‌های دراویدی و بعضی زبان‌های بین‌النهرین و عیلام و قفقاز وجود دارد. با این همه، پذیرفتن این که پیش دراویدی‌ها از آن جاها به هند آمده‌اند، جسورانه خواهد بود. به‌علافا، داده‌های زبان‌شناسی نشان داده‌اند که انتشار زبان‌های دراویدی از شمال به جنوب نبوده، بلکه از جنوب به شمال بوده است. در این جا به یادآوری نتایجی که ژ. زوگراف^۱، هندشناس شوروی، از بررسی زبان‌های هند، پاکستان، سیلان و نپال به دست آورده است، می‌پردازیم. نامبرده خاطر نشان می‌کند که نظریه‌ای که به‌حسب آن، مهاجرت ملل دراویدی از جنوب به طرف شمال بوده و نه به عکس، امروز بیش از همیشه مورد تأیید قرار می‌گیرد (مثلاً، قبایلی که به زبان کوروخ^۲، یعنی زبان دراویدی حرف می‌زنند و در شمال‌خاوری هند مرکزی زندگی می‌کنند، از روی افسانه‌های خود تصور می‌کنند که سابقاً اجدادشان در هند جنوبی زندگی می‌کرده‌اند، و غیره).

از این بررسی‌ها به این نتیجه می‌رسیم که: در جنوب هندوستان، آب‌های اقیانوس هند گسترش یافته است و در این آب‌ها پیش دراویدی‌ها نمی‌توانسته‌اند به وجود آیند و سپس به طرف شمال، هند و بین‌النهرین و عیلام پیش بروند. اگر به خاطر بیاوریم، که درست، آن چیزی که هندوستان را از افریقا جدا می‌کرده است، یعنی لموری^۳ که به عقیده بسیاری از اقیانوس‌نگاران و زمین‌شناسان، بعداً به زیر آب‌های اقیانوس هند رفته، در این بخش از اقیانوس واقع بوده است، آن وقت این تصور، شگفتی خود را از دست خواهد داد. افسانه‌های باستانی دراویدی‌ها نیز از یک میهن باستانی گفتگو می‌کند که در جنوب هندوستان واقع بوده و در چندین هزار سال پیش به زیر امواج اقیانوس رفته است.

کشتی‌های سرزمین ملوک‌خا^۴ - هند از زمان دیرین سنگی^۵ مسکون بوده است. آیا دراویدی‌ها و همچنین مونداکولاری‌ها و آریاها، یعنی مردمانی که به سه گروه بزرگ

-
- | | | |
|---------------|-------------------|------------|
| 1. G. Zograf, | 2. Kouroukh, | 3. Lémurie |
| 4. Meloukkha, | 5. Paléolithique. | |

زبان هند امروز حرف می‌زنند، مردمانی هستند که از خارج برای سکونت در هند به آنجا آمده‌اند؟ میان آن‌ها، دراویدی‌ها شاید از جنوب آمده باشند، سپس موندا - کولاری‌ها از خاور و آخر از همه، قبایل چادرنشین آریاها که به زبانی هند و اروپایی حرف می‌زدند، از شمال باختری، در ۲۰۰۰ یا ۳۰۰۰ سال دیرتر، به هند وارد شده‌اند. آریاها بی‌شک از راه خشکی، همراه ثروت عمده خود، یعنی گله‌های بزرگ نوعی گاو به نام بوون^۱ که سرچشمه غرور و سرافرازی آن‌ها بود، وارد شده‌اند (گاوهای بوون، موضوع بسیاری از توصیف‌های شاعرانه در ریگ‌ودا^۲، حماسه ساخته شده در عصر ورود آریاها به هندوستان، بوده است). قبایل متکلم به زبان موندا - کولاری، از راه خشکی، از جنوب خاوری آسیا آمده‌اند و هیچ‌گونه شناختی از کشتی‌رانی نداشتند. اما دراویدی‌ها این‌طور نبوده‌اند. قبیله توداها^۳ که بسیاری از دانشمندان، آن‌ها را نمایندگان پالترپیش دراویدی‌ها در نظر گرفته‌اند، امروز با پرورش دام زندگی می‌کنند. با وجود این، آن‌ها دارای سرودی بسیار باستانی درباره کشتی دارند. ممکن است که این یادآور خاطره راهی دریایی باشد که توداها برای رسیدن به هند پیموده‌اند. دانشمندان در شهرهای بین‌النهرین، کالاهای دراویدی بسیاری را یافته‌اند. اشیاء رسیده از همین محل، در فهرست هدایای گرانبهای تقدیمی به سلیمان، پادشاه بین‌النهرین بشمار آمده است (مثلاً چوب صندل که تنها در کرانه مالابار^۴، در جنوب هند می‌روید). ابتدا فکر می‌کردند که این محصولات از جنوب هند به بین‌النهرین، بوسیله بازرگانان سومری رسیده است، یعنی این خود بین‌النهرینی‌ها هستند که حکمفرمای آب‌های اقیانوس هند بوده‌اند و منظم‌اً در آب‌های خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند رقت و آمد داشتند. با این حال، بررسی‌های اخیر نشان داده است که این‌ها ساکنان دراویدی هند بوده‌اند که به حق باید آن‌ها را به مثابه نخستین دریانوردان اقیانوس هند در نظر گرفت.

هنگام حفاریات، در شهرهای پیش‌هندي، در موهنجو - دارو^۵، تصویرهایی که کشتی‌هایی را با بادبان آن‌ها نشان می‌دهد، کشف کردند. یکی از پیش‌قدمان کشف تمدن بسیار باستانی هند، یعنی ماکای^۶، باستان‌شناس انگلیسی حدس زده است که ساکنان دره اندوس^۷، راه‌های دریایی را برای رفتن به سومر، بیشتر مورد استفاده قرار می‌دادند.

ماکای، این مسئله را که این لشکرکشی‌ها به وسیله بین‌النهرینی‌ها، پیش‌هندي‌ها یا اعراب انجام گرفته است، بی‌جواب گذاشته است. حفاریات اخیر باستان‌شناسی به حل این

-
1. Bovins 2. Rigveda 3. Todas
 4. Malabar 5. Mohenjo - Daro 6. Mackay 7. Inddus.

مسئله کم‌کم کرده است. دانشمندان هندی، بندر بسیار باستانی جهان، یعنی لوتال^۱ را نزدیک بندر بزرگ‌نوبین بمبئی، در شبه جزیره کاتیاوار^۲ کشف کرده‌اند. باستان‌شناسان در بخش خاوری شهر، محل کشتی‌سازی مستطیلی شکلی را با جدارهای پوشیده از آجر به اندازه ۲۱۸ متر در ۳۷ متر را کشف کرده‌اند که بسیار شایان توجه است. کانال ویژه‌ای به عرض ۷ متر آن را به رودخانه‌ای که به دریای امان می‌ریزد، مربوط می‌کرده است. ولی جالب‌تر این است که لوتال در جنوب دره اندوس واقع بوده است و قدمت آن به هیچ‌وجه کمتر از قدمت موهنجو - دارو، هاراها^۳ و دیگر شهرهای پیش هندی نیست، زیرا قدمت آن به ۴۰۰۰ سال می‌رسد.

برای تحقیق پژوهندگانی که در بین‌النهرین، یعنی سرزمینی که در انتهای دیگر جاده باستانی قرار دارد، آگاهی‌های جالب توجهی بدست آمده است. متن‌های مهیجی بابلیها از کشورهای ماگان^۴ و ملوکخا و ارتباط این کشورها و کالاهایی (آبنوس و دیگر چوب‌های پربها) که به آن‌جا، از افریقای خاوری می‌آمده است، حکایت می‌کند.

در نوشتارهای سومری‌ها که از ۴۰۰۰ یا ۴۵۰۰ سال پیش باقی‌مانده است نام ماگان و ملوکخا زیاد آمده است. از ماگان چوب‌های پربها و از ملوکخا، که دورتر، در اقیانوس هند واقع بوده است، خاکه طلا، مروارید و سنگ لائورده تهیه می‌کردند. ملوکخا را «سرزمین سیاه» می‌نامیدند و این به علت رنگ پوست اهالی آن‌جا بوده است. ذکر این مطلب مهم است که سومری‌ها به ملوکخا نمی‌رفتند، بلکه ساکنان سرزمین اخیر، برای بازرگانی به بین‌النهرین می‌آمدند. متن‌ها از «مردان دریانورد ملوکخا» حکایت می‌کنند و باستان‌شناسان نیز مهر سومری را که مفسر زبان ملوکخا است، یافته‌اند.

از منابع سومری چنین برمی‌آید که «ساگولم‌ها»^۵ یعنی کشتی‌های ملوکخا دارای ابعاد قابل ملاحظه‌ای بوده‌اند. به عقیده بعضی از ویژه‌کاران، واژه دراویدی «مانسی»^۶ که به معنی کشتی بزرگ است، می‌توانسته است ۱۰ و گاهی هم تا ۴۰ تن کالا حمل کند و امروز نیز در زبان‌های ملل دراویدی، که بر کرانه باختری و جنوبی هند، مانند کانادا^۸، مالایالام^۹، تولو^{۱۰} و تامیل^{۱۱} سکونت دارند، وجود دارد. این موضوع باعث شده است که تصور کنند سومری‌های باستانی، هند دراویدی را ملوکخا می‌نامیدند.

احتمالاً کشتی‌های ملوکخا به این که تا کرانه‌های خلیج فارس آمد و رفت نمایند،

1. Lothal, 2. Kathiavar, 3. Harappa, 4. Magan,

5. Lapis - lazuli, 6. Magulim, 7. Mancis,

8. Kannada, 9. Malayalam, 10. Toulou,

11. Tamile.

قانع نبودند و از کشورهای دیگری نیز مانند عربستان و شاید هم مصر، دیدن می‌کردند. در میان نقاشی‌های بسیاری که روی سنگ‌های مصر علیا، در ناحیه کرانه دریای سرخ یافته‌اند، تصویر کشتی‌هایی وجود دارد که با کشتی‌هایی که مصری‌های باستان، روی رود نیل مورد استفاده قرار می‌دادند، تفاوت دارد. در جبل‌العراق^۱، محلی که بر کرانه دریای سرخ واقع است، در جای مشخصی که از آن جا جاده به طرف دره نیل آغاز می‌گردد، در مسیر جریان وادی - حمامات^۲ که امروز تاری^۳ نامیده می‌شود، دسته‌کاردی که نشان‌دهنده زدو خوردی دریایی میان دریانوردان، بر روی قایق‌های ساخته از پایروس، مانند آن‌چه در رود نیل مورد استفاده مردمان سوار بر کشتی قرار می‌گرفته است، کشف کرده‌اند. این کشتی‌ها دارای جلو و عقبی بلند بوده‌اند.

ابتدا بسیاری از ویژه‌کاران فکرمی‌کردند که کشتی‌های بیگانه‌ای که روی سنگ‌های مصر علیا، در نزدیکی دریای سرخ ترسیم شده است، کشتی‌های سومری‌های باستان بوده‌اند. ولی پس از تجزیه و تحلیل کشفیات اخیر، س. راثو^۴، باستان‌شناس هندی، منشأ دیگری برای آن‌ها که مسافران بیگانه باشند، تصور کرده است. به عقیده این باستان‌شناس، آن‌ها از هند در اویدی یعنی سرزمین تمدن پیش هندی، آمده‌اند. با وجود این، از کجا که کشتی‌های اسرار آمیزی که به خلیج فارس و بندرهای سومری کرانه‌های خلیج عربی و دریای سرخ آمده‌اند، از سرزمین دیگری نیامده باشند؟ در آن هنگام سرزمین ماگان سرزمین پیش‌هندی‌ها بوده، و ملوکخا که در بخش جنوبی‌تر واقع بوده است، به زیر آب‌های اقیانوس هند رفته و امروز، هیچ وجود ندارد. از طرف دیگر، متن‌های سومری باز به سرزمین سومی، که احتمالاً اسرار آمیزتر است، یعنی دیلمون^۵ اشاره می‌کنند.

پژوهش «بهشت سومری‌ها»^۶ - پیش از آن که تاریخ پژوهش این سرزمین را از نظر بگذرانیم، مسلماً بهتر است که از آن‌چه بررسی کرده‌ایم، نتایجی بگیریم.

مطالعه زبان‌های در اویدی و مقابله آن‌ها با زبان‌های نخستین ساکنان شناخته شده در هندوستان، در بین‌النهرین، در عیلام (و شاید هم نواحی دیگر ایران و آسیای مرکزی و قفقاز) و با نام‌های جغرافیایی و زبان‌های عربی، بسیاری از دانشمندان را وادار به این اندیشه کرده است که، مردمان متکلم به زبان‌های در اویدی، سابقاً در سرزمین وسیعی که از قفقاز و آسیای مرکزی تا عربستان و هند گسترش داشته است سکونت داشته‌اند. هر چند که این زبان‌ها از شمال یا شمال باختری پیشرفت نکرده، و بلکه آغاز پیشرفت آن‌ها - به علت این که بیشتر مردمان متکلم به زبان‌های در اویدی در جنوب هند

1. Djebel - El Arak, 2. Wadi - Hammamat, 3. Tari,
4. S. Rao, 5. Dilmun, 6. paradis des Sumériens.

زندگی می‌کنند - از جنوب بوده است، باز نمی‌توان هندوستان را به‌مثابه محل اصلی این زبان‌ها در نظر گرفت.

محتمل است که پایه‌گذاران تمدن پیش‌هندی و اوبائییدی^۱، یعنی پیشگامان سومری‌ها، به زبان‌های دراویدی یا زبان‌هایی که خویشاوندی با آن داشته است، حرف می‌زدند. به حسب نظر کرامر^۲ و دانشمندان دیگر، فرهنگ پیش‌هندی به‌وسیله اوبائییدی‌هایی که بر اثر هجوم اشغالگران سلحشور سومری مجبور به ترک جنوب بین‌النهرین گردیده بودند، وارد هند شده است. افسانه‌های باستانی بین‌النهرین، حاکی از آن است که تمدن آن‌ها به‌وسیله آنکی^۳، خدای آن‌ها آورده شده است. اوپایه‌گذار شهر اریدو^۴، جنوبی‌ترین شهر بین‌النهرین، است. آیا با آن‌چه گفته شد نباید نتیجه گرفت که تمدن هند، بین‌النهرین و شاید عیلام و مصر از «کانون» اسرارآمیز و ناشناخته‌ای ناشی شده باشد؟ حاملین این تمدن، پوستی سیاه داشتند و به زبان‌های دراویدی حرف می‌زدند. افسانه‌های باستانی دراویدی‌ها حاکی است که میهن آن‌ها لموری بوده است که امروز در ژرفای اقیانوس هند به‌زیر آب قرار گرفته است.

در این مورد لازم است که آثار این سرزمین افسانه‌ای را، نه تنها در میان اسناد هندی، بلکه در میان متن‌های سومری نیز مورد پژوهش قرار داد. قطعاً ضرورت ندارد که این سرزمین لموری، ناوالام^۵، تامالایام^۶ یا خشکاد جنوب نامیده شود. نام آن ممکن است به‌وسیله سومری‌ها تغییر کرده باشد (آیا نام آنکی اوبائییدی را به آآ^۷ تغییر نداده‌اند؟). به علاوه نام‌های دراویدی قاره ناپدید شده، به‌سده‌های میانی برمی‌گردد، و ممکن است که خود آن‌ها به‌طور قابل ملاحظه‌ای تحریف پیدا کرده باشند.

خدای آآ، یا آنکی، «پوزئیدون^۸ بین‌النهرین»، علم را به مردمان اریدو عطا کرده است. آنکی، خود در سرزمینی به‌نام دیلمون ساکن بوده که در آن‌جا از بیماری و مرگ اثری نبوده است و چشمه‌های آب خالص در آن‌جا جریان داشته‌اند و مردمان زندگی سعادت‌مند و بی‌غمی را می‌گذراندند.

در این‌جا مشکل نیست که حدس زده شود که مقصود از بهشت سومری‌ها، همان ارض موعودی^۹ است که به عنوان نمونه بهشت در تورات آمده است. پس همه چیز، روشن به نظر می‌آید: دیلمون سرزمینی است افسانه‌ای که هرگز وجود نداشته است. با وجود این، واقعیت چیز دیگری است. برای این‌که در کتاب‌های بسیار باستانی بازرگانان

-
1. Oubaidien
 2. Kramer
 3. Enki
 4. Eridu
 5. Nawalam
 6. Tamalayam
 7. Ea
 8. Poseidon
 9. Terre Promise.

بین‌النهرین، از کشتی‌هایی که از دیلمون آمده‌اند، نام برده شده است. افزون بر این، اسناد آسوری‌های بعدی، از اوپری^۱، شاه دیلمون نام می‌برد که خراجی به سارگون^۲ دوم، پادشاه آسوری می‌پرداخته است. کشورگشای دیگر آسوری، غنایم پریبایی از مس، برونز و چوب‌های پردازش، از دیلمون آورده است. سربازان دیلمون، به سناشرب^۳، سلطان مستبد آسوری، در قتل عام بابل، «مادر شهرها»^۴، کمک کردند. در نتیجه، با این‌که میتولوژی، همه آثار ویژه یک بهشت را در تملک آ می‌داند، به نظر می‌رسد که دیلمون واقعاً وجود داشته است.

دیلمون در کجا بوده است؟ دیلمون به «سرزمینی که در آن‌جا خورشید طلوع می‌کند» گفته می‌شده است. بنابراین باید آن را در خاور دره دجله و فرات جستجو کرد. باستان‌شناسان، هنگامی که در جزایر بحرین، در خلیج فارس، تمدنی باستانی، واسطه میان فرهنگ‌های بین‌النهرین و هند را کشف کردند، به اسرار دیلمون نیز دست یافتند. کرامر به تازگی اسنادی را ارائه داده است که هرگونه تشابه جزایر بحرین را به دیلمون، رد می‌کند. در این جزایر فیل وجود ندارد، در صورتی که عاج یکی از کالاهای بسیار اولیه دیلمون بوده است و در آن‌جا هیچ اثری از معبد خدای آن‌ها و غیره یافته نشده است. به عقیده کرامر، ساکنان بین‌النهرین آن را دیلمون هند می‌نامیدند و دارای تمدنی پیش‌هندی، با پرستش خدایان آبی متعدد و شناخت‌هایی از کشتیرانی و فیل‌های اهلی بوده است.

آیا چنین بوده است؟ احتمالاً پژوهش‌های آینده، ما را مجبور می‌کند که دوباره در تصورات مورد قبول، درباره محل دیلمون، تجدید نظر نماییم. پس باید محل آن نه در خاور، بلکه در جنوب دلتای دجله و فرات، در وسط اقیانوس هند بوده باشد. این سؤال‌ها تا زمانی که کاوش مفصلی در کف اقیانوس هند انجام نگرفته است و نتوانسته‌اند خط‌های هیروگلیفی متن‌های نوشته شده به وسیله آفرینندگان تمدن پیش‌هندی را بخوانند، وجود دارد. در حقیقت برای کرامر واژه دیلمون، سومری نبوده، بلکه اوبایی است، و اگر پیش‌هندی‌ها میهن خودشان را دیلمون می‌نامیدند، محتمل است که این نام روی مهرها و ترمویدها نوشته شده باشد. بدین ترتیب، می‌بینیم که در این‌جا نیز پژوهنده مجبور است، برای حل مسئله پراشکالی که مبدأ و محل اصلی تمدن‌های باستانی بین‌النهرین و هند را مطرح ساخته است، از اقیانوس‌نگاری^۵، با این‌که از باستان‌شناسی، مردم‌شناسی، زبان‌شناسی و کشف‌رمز خواندن متن‌های باستانی به‌دور است، یاری جوید.

-
1. Uperi, 2. Sargon, 3. Sennacherib,
4. Mère des villes, 5. Océanographie.